

تأملی در

## امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی

محسن رجبی

انگیزه و هدف نگارش

شامگاه روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ زنی در ایستگاه قطار شهری شیکاگو در حضور جمعی از مردم، مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد و هیچ‌کس جز زندی کایلز به کمک قربانی نمی‌رود. استدلال او این بود: «احساس کردم این اتفاق کار درستی نبود. زن می‌توانست مادر، عمه، خاله یا یکی از دوستان مادرم باشد» (ص ۱۵-۱۶).

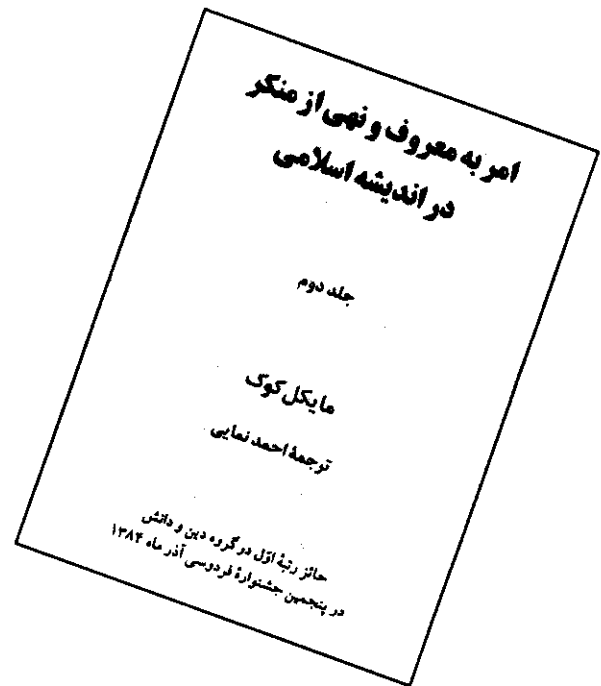
1. Commanding right and Forbidding wrong in Islamic thought, 2002, cambridge, unitedking dom.

محمد حسین ساکت قسمتی از این کتاب را زیر عنوان «شایست و ناشایست در اندیشه اسلامی (دفتریکم)»، نیز ترجمه و نشر نگاه معاصر (۱۳۸۴) آن را به زیور طبع آراسته است.

۲. Cook, michael Allen؛ مورخ و شرق شناس انگلیسی، متولد ۱۹۴۰م. تاکنون ۳۰ کتاب و مقاله از او در زمینه‌های تفسیر، فقه، حدیث، تاریخ اسلام، شکل‌گیری تمدن اسلامی و نقش دین در روند تکوینی آن به چاپ رسیده است.

۳. مدیر گروه دایرةالمعارف آستان قدس رضوی.

۴. نگارنده مقاله مطالب استناد شده به ترجمه کتاب را با ارجاع به صفحه یا صفحات مورد نظر در داخل متن مقاله آورده است. بنابراین صفحه ذکر شده، صفحه منبع مورد استفاده آقای مایکل کوک نیست.



امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی<sup>۱</sup>، مایکل کوک<sup>۲</sup>، ترجمه احمد نمایی<sup>۳</sup>، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ یکم، ۱۳۸۴ ش.

مقدمه<sup>۴</sup>

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ قرآنی است که بی‌شک نقش سازنده در ایجاد جامعه سالم و کنترل انحرافات اجتماعی دارد. اما این اصل مهم نیز مانند بسیاری دیگر از عناصر فرهنگ قرآنی، در طول تاریخ، اسیر سوء برداشت‌ها و سوء استفاده‌های مختلف شده و سیره عملی نادرست فردی و گروهی برخی از مسلمانان و حاکمان نیز چهره‌ای غیر معقول و ناکارآمد از آن به تصویر کشیده است. این کتاب، سیر تاریخی-فقهی این مسئله را از دیدگاه مذاهب مختلف فقهی و کلامی اسلامی به صورت تطبیقی و مقارنه‌ای تقریباً تا عصر حاضر فراهم آورده است.

فرهنگ های غیر اسلامی از جمله غرب امروز اشاره شده است. کوک برای نگارش این تحقیق از حدود ۱۷۰۰ کتاب و مقاله در طول دوازده سال با استفاده از فرصت های مطالعاتی و بورسیه های علمی بهره برده است.

### قرآن

از نگاه کوک، قرآن مطالب اندکی درباره نهی از منکر بیان کرده (ص ۵۴) و مصادیق منکر و چگونگی برخورد با آن را نیز به صورتی روشن مشخص نکرده است (ص ۵۰).

این گونه نتیجه گیری، کم و بیش در بسیاری از مطالعات و پژوهش های قرآن به چشم می خورد؛ زیرا پس از چهارده قرن از نزول قرآن و تدوین علوم قرآنی و با وجود میراث کهن و گرانقدر تفسیر، هنوز «روش های مطالعه و تحقیق در قرآن کریم» را به صورتی روشمند و هدفمند، تبیین و ارائه نکرده ایم. علوم قرآنی و قرآن شناسی متداول، کاستی ها و حتی آسیب های بسیاری دربردارد. هنوز به درستی معلوم نیست برای تحقیق موضوعی «امر به معروف و نهی از منکر» در قرآن کدام سوره یا آیات و چگونه آنها را مطالعه کنیم. در عرف رایج، معمولاً پژوهشگر بلافاصله پس از چیش آیات، به سراغ تفاسیر، ترجمه ها، اسباب نزول و روایات می رود. گرچه شناخت این منابع به معرفت ما از موضوع کمک فراوانی می کند، اما اینکه چه موقع و چگونه و با چه دیدگاهی به آنها مراجعه کنیم و با چه مبنایی در صحت و سقم و جامعیت مطالب آنها داوری کنیم، اهمیت بسزایی در روش مطالعه و تحقیق دارد.<sup>۷</sup>

کوک در آغاز بررسی کوتاه خود از آیات قرآن ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» سؤالاتی چنین را مطرح می کند: مخاطب آن کیست، ویژگی های این وظیفه چیست، چه کسی آن را انجام می دهد (ص ۴۸-۴۹).

از آنجا که قرآن «آیات للسائلین»<sup>۸</sup> است، طرح پرسش های تدبیری، گام مهمی در انجام تحقیقات قرآنی است. از این رو،

۵. The new york Times، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۸، ص ۳۳.

۶. ر. ک: لسانی فشارکی، محمد علی، «قرآن شناسی، محور مطالعات قرآنی (۱)»، گلستان قرآن، شماره ۱۲۶.

۷. ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام؛ همو، مقدمه المیزان فی تفسیر القرآن؛ خمینی، روح الله، آداب الصلوة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول ۱۳۷۰ ش، ص ۱۹۱-۲۰۳.

۸. یوسف، آیه ۷.

نویسنده با نقل این گزارش از روزنامه نیویورک تایمز می افزاید: «آدمی باید [در برخورد با] این موارد کاری انجام دهد و یا برای انجام ندادن آن دلیل موجه قابل قبولی داشته باشد. ما احساس می کنیم به نوعی وظیفه داریم علاوه بر آنکه خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای کاملاً ناپسند نسبت به هموعان خود باز داریم. در فرهنگ غرب تعریف خاصی برای این ادراک و نامی برای این وظیفه وجود ندارد. گرچه حقوقدانان و فیلسوفان از «امداد» سخن به میان آورده اند؛ در حالی که در اسلام، این وظیفه اخلاقی گسترده، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد». (ص ۱۷-۱۹)

از این رو، نخستین هدف او، بیان گزارش ساده ای است در مورد این وظیفه، بنابر آنچه در متون اسلامی آمده است؛ گرچه بنابر ذوق و سلیقه اش این بررسی را به وظیفه فردی مؤمنان در هنگام رویارویی با منکرات - که غالباً در مورد مسائلی چون شرب خمر، موسیقی و بدحجابی زنان است - محدود می کند و جایگاه حاکمان و وظایف مأموران حکومتی (حسبه) در حاشیه مورد بحث قرار گرفته است.

اما هدف نهایی او در مقام مورّخی اندیشه شناس این است که اسلام چگونه به این آموزه دست یافت و چرا این اندیشه در جوامع مختلف اسلامی به صورت های متفاوت درآمد. او در مقام مورّخی جامعه شناس خواهان بررسی تحولات ایجاد شده در جامعه ای است که این سنت خردمندانه از آنجا نشئت گرفته است و خود معترف است که دستاورد او در این زمینه بسیار محدود است (ص ۲۱).

### ساختار و روش تحقیق

وی برای رسیدن به این هدف، بخش اول کتاب را با روش توصیفی به تحلیل مطالب اصولی موجود در قرآن، تفاسیر، احادیث و کتاب های رجال در شرح احوال مسلمانان متقدم اختصاص داده است. در بخش دوم به عقاید حنبلیان عملگرا و در بخش سوم به مکاتبی که غنی ترین منابع برای تاریخ فکری این وظیفه ارائه کرده اند یعنی معتزلیان، زیدیان و امامیان، پرداخته شده است. بخش چهارم بقیه فرقه ها و مذاهب (حنفیان، شافعیان، مالیکان، اباضیه و اندیشه های غزالی) را در بر می گیرد و با فصلی همراه با جمع بندی کلی درباره اسلام نخستین پایان می پذیرد. بخش پنجم با عنوان فراسوی اسلام سنتی، جایگاه نهی از منکر را در جوامع امروز اسلامی به صورت محدود بحث می کند؛ زیرا کوک در بین زبان های اسلامی با عربی، فارسی و ترکی آشناست. در دو فصل آخر، به سابقه این وظیفه قبل از اسلام و مقایسه آن با



می توان سؤالات و مفاهیم گسترده تری از آیات برداشت نمود. به عنوان مثال، آیا امر به معروف و نهی از منکر، باید در قالب گفتار آمرانه انجام شود؟ معروف و منکر به چه چیزهایی اطلاق می شود؟ آیا منکرات فقط به رفتارهای زشت اخلاقی که به چشم دیده می شوند، محدود است؟ یا تمام رفتارها، گفتارها، گفتمان ها و دستورالعمل های نادرست و ناقص در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، اداری، آموزشی، مدیریتی و ... را شامل می شود؟ اصولاً امر به معروف و نهی از منکر با چه هدف و فلسفه ای باید انجام بگیرد؟ چه ارتباطی میان معروف و عرف در آیه ۱۹۹ اعراف وجود دارد که می فرماید: «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»؟<sup>۹</sup> و صدها سؤال دیگر وجود دارد.

اینکه قرآن مصادیق معروف و منکر را کاملاً روشن نکرده و در این مورد ظاهراً سخن کمی دارد، از یک سو، نشان دهنده این است که دامنه معروف ها و منکرها و مصادیق آن بسیار گسترده و متنوع است که به زمان و مکان و جامعه ای خاص محدود نمی شود. به عبارتی دیگر، معروف ها و منکرها در همه شرایط و نسبت به همه افراد و جوامع مختلف اموری مطلق نیستند و چه بسا با تغییر شرایط زمانی و مکانی و حتی از شخصی به شخص دیگر و از جامعه و گروهی به جامعه و گروه دیگر قابل تغییر و انعطاف پذیر باشند.<sup>۹</sup> بنابراین چگونگی انجام این وظیفه نیز همواره مطلق و یکسان نیست.

از سوی دیگر، قرآن حامل فرهنگی است الهی که فرا زمانی، فرا مکانی و فرا قومی بودن از ویژگی های اصلی آن است. نزول، ابلاغ و فراگیری تدریجی قرآن از سوی مسلمانان صدر اسلام موجب تحولات عمیقی در عرصه های مختلف زندگی آنان و دیگر جوامع و تمدن های بشری شد. از این رو، شناخت شیوه برخورد قرآن با منکرهای زمان نزول - که جنبه مثالی دارد<sup>۱۰</sup> - و دیگر منکرهایی که سلامت انسان و جوامع انسانی را به خطر می اندازد، می تواند مفهوم و ابعاد منکر و علل شکل گیری آن و چگونگی برخورد با آن را تبیین کند. به عنوان مثال، کیفیت و مراحل تحریم شرب خمر از سوی قرآن نمونه قابل توجهی در این زمینه است (بقره، آیه ۲۱۹؛ مائده، آیه ۹۰-۹۱).

بنابراین اگر هدف و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را به صورت خلاصه، «برنامه ریزی و راه اندازی امور جامعه با هدف ایجاد شرایط زندگی سالم برای همه انسان ها در محیط زیست سالم بر پایه ایمان به خدا، ایمان به آخرت و انجام اعمال صالح» بدانیم، آن گاه می توان گفت: به مجموعه رفتارهایی که به ایجاد، گسترش و تثبیت این شرایط کمک می کند، امر به

معروف گفته می شود و «نهی از منکر» به مجموعه برنامه ها، روش ها و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیمی که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت های بازدارنده از وقوع منکر طرأحی و تدوین می گردد، اطلاق می شود. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر هر دو بُعد تولید رفتارهای بهنجار و جلوگیری از شکل گیری جرم و کجروی و کنترل آن را در بر می گیرد.<sup>۱۱</sup>

قرآن کریم با تعیین و تبیین حقوق و نیازهای اساسی انسان، نوعی نظام هنجاری و الگوهای روابط فردی و جمعی را بر اساس خدا محوری و آخرت بینی و ارتباط و پیوند هر چه بیشتر فرد با خدا و مردم به وجود می آورد که در حقیقت شبکه ای سالم، معتدل، گسترده و پویا از انواع ارتباطات است و قابلیت انعطاف و انطباق با شرایط مختلف زندگی را نیز دارد؛ به طوری که همه افراد می توانند بر اساس آن هنجارها و مطابق «وُسْع» و توانایی خویش به انجام «اعمال صالح» به صورتی فعال و خلاق در جهت نیل به «زندگی سالم در جامعه و محیط زیست سالم» که هدف عمده تشریح دین مبین اسلام است، دست یازند.

۹. مثلاً قرآن خوردن مُردار را حرام می داند، مگر در موارد اضطرار، آن هم به اندازه ای که موجب حفظ جان شود. بقره، آیه ۱۷۳.

۱۰. در سیر تحول فرهنگی مورد نظر قرآن مبانی نادرست فرهنگ جاهلی اعراب، به عنوان نمونه ای از فرهنگ انحرافی انسان ها مورد نقد و تحلیل قرار گرفت؛ به طوری که در ضمن آن شرح وظایف و مسئولیت انسان ها در مرحله گذار به فرهنگ الهی قرآن، بیان شده است. به عبارتی دیگر، گرچه امروزه برخی مصادیق آن روز فرهنگ اعراب وجود ندارد، ولی روح و ماهیت آن با ابعاد گسترده تری هنوز گریبانگیر بشر است؛ مثلاً ابولهب در سوره مسد مثالی است که خداوند با ارائه آن در صدد معرفی طاغوتیان و مشرکان دیندار نمایی است که در پوشش نظام های مختلف اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، بینش و منش استکباری و صمد پنداری ابولهب را دارند و خواهان «استخفاف»، «ذلت» و به بردگی و بندگی گرفتن انسان هابند. حضرت علی (ع) فلسفه بعثت نبی اعظم (ص) را این گونه بیان می کند: «فان الله تبارک و تعالی بعث محمداً بالحق لیخرج عباده من عبادة عباده الی عبادة ... بحکم قد فصله و تفصیل قد احکمه و فرقان قد فرقوه و قرآن قد یتیه» (علامه مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م).

۱۱. ر.ک: سلیمی، علی و داوری، محمد، جامعه شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

شرع شناخته می شود (ص ۶۸). زجاج (۳۱۱ق) معتقد است که «عُرف» یا «شرع» طریق شناختن «معروف» است (ص ۶۸). از نظر کوک، نتیجه برداشت مفسران از کتاب و سنت به درک مفهومی از نهی از منکر منتهی می شود که به طور مستقیم از خود آیات درک نمی شود و این وظیفه را مؤمنان باید در قبال یکدیگر انجام دهند و دامنه آن در وهله اول، پاسخی به کارهای ناشایست است، نه باورهای کلی و مبهم اخلاقی (ص ۷۷). به عقیده وی، دقیقاً روشن نیست آیات قرآنی که از این موضوع سخن می گویند، آیا همان وظیفه ای را بیان می کنند که از اندیشه های بعدی اسلام در می یابیم؟ و این ابهام به شدت در تفسیرهای نخستین دیده می شود. (ص ۸۸۹)

#### حدیث

از دیدگاه کوک، احادیث مربوط به این موضوع به دو دسته قابل تقسیم اند: ۱. احادیثی با نگرش مثبت که مؤمنان را به انجام این وظیفه ترغیب می کنند (ص ۸۲-۸۸)؛ ۲. احادیثی با نگرش صنفی که این وظیفه را کم اهمیت جلوه می دهند و نسبت به دسته اول کمترند (ص ۸۹-۹۷). او تعارض این دو دسته را با توجه به منشأ جغرافیایی صدور آنها تحلیل می کند. کوفه منشأ احادیث دسته اول و تقریباً دو برابر مجموعه احادیثی است که از مراکز دیگر (بصره، شام و حجاز) به ما رسیده است. شام منشأ احادیث دسته دوم است. چنین اختلافی را بدون شک باید در وضع جغرافیایی سیاسی دوران امویان دانست؛ چرا که کوفه مرکز رهبری مخالفت های محلی، و شام مرکز حکومت است (ص ۹۷-۹۸). البته میان همه احادیثی که او در این دو قسم آورده است، تعارضی وجود ندارد؛ مثلاً این حدیث که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مؤمن نباید نهی از منکر کند، مگر اینکه دارای سه خصلت ادب، دانش و صداقت باشد»، (ص ۹۵) با احادیث دسته اول نه تنها تعارضی ندارد، بلکه کامل کننده آنهاست.

اصولاً در دانش حدیث شناسی، شناخت شرایط و اسباب صدور حدیث، زمان، مکان و مخاطبان اولیه آن، در فهم حدیث نقشی تعیین کننده دارد<sup>۱۴</sup>؛ و در تعالیم معصومان (ع) هم بر ناسخ

۱۲. و نیز ر. ک: قبولی در افشان، س و دیگران، «آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر با نظر به تجارب تاریخی»، مطالعات اسلامی، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۸۴، ص ۷۳-۱۰۰.

۱۳. علاوه بر آن اصولاً، تفاسیر ترتیبی - صرف نظر از روش تفسیری شان - بنا به طبیعتی که دارند، نمی توانند از عهده تبیین کامل یک موضوع برآیند.

۱۴. ر. ک: رشد، علی اکبر، «سنت پژوهی»، فقه و حقوق، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳.

به عبارتی دیگر، قرآن، هم به کنترل و نظارت درونی از طریق یادگیری و حمل قرآن در قلب و درونی سازی فرهنگ آن توجه کرده است و هم به کنترل اجتماعی و نظارت بیرونی از طریق بنیان گذاری نظام های به هم پیوسته تربیتی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی که اصول و برنامه درست زندگی را ارائه و فراهم می کند و علل انحراف و کجروی و موقعیت های زمینه ساز آن را تبیین و کنترل می نماید.

بنابراین از یک نظر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای همگانی است؛ یعنی هر کس باید در برابر سر نوشت خودش، هموعان، جامعه و محیط زیست احساس مسئولیت داشته باشد و با توجه به علم و آگاهی و تجربه و تخصصی که دارد و با در نظر گرفتن همه شرایط و جوانب مختلف، به این وظیفه اقدام کند، و با توجه به آیه ۱۰۴ سوره آل عمران و ۱۲۲ توبه به نظر می رسد در هر صنف و گروهی باید افرادی متخصص و متعهد باشند تا همواره معروف ها و منکرهای صنف و گروه خود را بر پایه عدالت و تقوا و دیگر هنجارها و ارزش های قرآنی و با توجه به حفظ سلامت جامعه و محیط زیست بررسی کنند و بهترین راهکارها و راهبردها را برای انجام بهتر وظایف خویش و رشد و بالندگی اعضای گروه و از بین بردن آسیب ها و انحرافات موجود ارائه دهند.<sup>۱۲</sup>

#### تفسیر قرآن

کوک بررسی آرای مفسران را برای پاسخ به سؤالات قرآنی خویش با این نکته آسیب زا آغاز می کند که مفسران بیشتر مایل اند نهی از منکر را در قالب مذهبی که به آن وابسته اند، بیان کنند، نه آن چنان که در قرآن آمده است<sup>۱۳</sup> (ص ۵۴). آیا کلمه «من» در منکم (آیه ۱۰۴ آل عمران) تمام مؤمنان را مکلف به انجام دادن این وظیفه می کند یا فقط بعضی از آنان را؟ نظر عام این است که فقط یک گروه از مؤمنان باید این وظیفه را انجام دهند؛ یعنی انجام دادن این وظیفه به نخبگان با صلاحیت و گذار شود (ص ۵۶).

طبری (۳۱۰ق) بر این باور است که امر به معروف همه آنچه را که خدا و پیامبرش به آن امر کرده و نهی از منکر، تمام آنچه را که از آن باز داشته اند، در بر می گیرد (ص ۹۵). راغب اصفهانی (۴ق) معروف را «حُسن» یا هر رفتار نیکی می داند که با عقل و

و منسوخ بودن احادیث تأکید شده است؛ یعنی احادیث به ظاهر مختلف - با فرض صحت صدور - ناظر به شرایط مختلف است. کوک در پایان این بحث نتیجه می‌گیرد که حدیث نه مانند قرآن فقط از خصوصیات مبهم و کلی این وظیفه سخن می‌گوید و نه مقررات مفصل و دقیقی برای این رفتار وضع می‌کند (ص ۹۸).

#### سیره مسلمانان صدر اسلام

در این فصل (ص ۱۰۰ - ۱۵۶) شرح احوال آمران به معروف و ناهیان از منکر در سده‌های اول و دوم و گاهی سوم و چگونگی انجام آن در سه سطح آمده است:

۱. رویارویی با حکومت؛ ۲. رویارویی با منکرات در سطح جامعه که بیشتر حول سه مسئله شرب خمر، بدحجابی زنان و موسیقی است؛ ۳. دفاع از زندگی خصوصی.

کوک، در مقدمه این فصل (ص ۱۰۳) آورده است: «بدون تردید پیامبر امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد<sup>۱۵</sup>، اما مطالب مربوط به انجام یافتن این وظیفه در زندگی پیامبر در منابع موجود، بسیار کم است».

اظهار تعجب کوک را باید در تلقی خاص او از نهی از منکر دانست، و گرنه سراسر زندگی فردی و اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در عرصه‌های مختلف آموزشی، اقتصادی، حقوقی، نظامی، فرهنگی و ... را باید امر به معروف و نهی از منکر دانست.

بنابراین از یک سو، قرآن مهم‌ترین و درست‌ترین منبع برای شناخت سیره نبوی، یعنی روش و شیوه رفتاری پیامبر اکرم (ص) به عنوان اسوه حسنه<sup>۱۶</sup>، در عرصه‌های مختلف از جمله چگونگی انجام این وظیفه است. از سوی دیگر، از ویژگی‌های سیره رفتاری آن حضرت، اصلاح منکرات غالباً به شیوه غیر مستقیم و با کمک تعالیم قرآن بود که در این میان، بنیان‌گذاری نظام آموزش و ترویج قرآن به عنوان آموزش و ترویج یک زبان<sup>۱۷</sup>، یکی از عوامل مهم موفقیت پیامبر اکرم (ص) بود.

#### زبان و فرهنگ قرآن

در مجموعه پدیده‌های فرهنگی، زبان حکم شالوده را دارد و رسانه‌ای جهانی است و تمامی الگوهای فرهنگی هر فعالیت ساده اجتماعی، متضمن ارتباط به صورت صریح یا ضمنی است؛ به طوری که جامعه به دور از هر گونه ساختی ایستا، شبکه بسیار پیچیده‌ای از درک ناقص یا کامل میان اعضای واحدهای سازمانی با اندازه‌های متفاوت و درجات گوناگون است که از طریق عملکرد ماهیت ارتباطی زبان به گونه‌ای خلاق احیا می‌شود؛

یعنی زبان می‌تواند تکیه گاهی استوار و زنده برای آفریدن تفکر خلاق باشد.<sup>۱۸</sup> از طریق زبان می‌توان به رفتار، فکر و جهان بینی افراد و رفتار جمعی گروه‌های اجتماعی شکل خاصی داد و آن را کنترل کرد. البته فرهنگ و جهان بینی به زبان شکل می‌دهد و زبان بر فرهنگ و فکر و جهان بینی اثر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد، و این تعامل به صورت پویا در جریان است.<sup>۱۹</sup>

بنابراین اجرای نظام احسن آموزش قرآن در سیره نبوی که منجر به حمل قرآن در قلب قرآن آموزان (صحابه) و یادگیری زبان قرآن شد، مسیر همنوایی، تدبیر و دریافت معانی و مقاصد قرآن و عمل به آن را در همه لحظات زندگی برای آنان آسان نمود؛ به طوری که زبان و فرهنگ قرآن، اصول جهان بینی، تفکر، عواطف و رفتار نادرست آنان را تصحیح کرد.

البته زبان و فرهنگ قرآن غیر از زبان و فرهنگ معمولی عرب زبانان دیروز و امروز است<sup>۲۰</sup> و از آنجا که رسالت و نبوت خاتم پیامبران، جهانشمول و ابدی است: «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»<sup>۲۱</sup> و تطابق لسان دعوت رسول و قوم او به عنوان یک اصل در بعثت انبیا مطرح است: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»<sup>۲۲</sup>، پس «زبان قرآن» زبانی است جهانی که برای شناخت فرهنگ آن - که ناظر به مصالح و پاسخگو به نیازهای اصیل همه مردم در هر عصر و مکانی است -

۱۵. اعراف، آیه ۱۵۷ و ۱۹۹.

۱۶. احزاب، آیه ۲۱.

۱۷. ر. ک: لسانی فشارکی، محمد علی، «طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن»، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، خرداد ۱۳۷۹ (بلی کپی).

۱۸. یاکوبسن، رومن، روندهای بنیادین در دانش زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران، هرمس، ۱۳۷۶، ص ۳۲ - ۵۰.

۱۹. یار محمدی، لطف الله، «مناسبت زبان، فکر، رفتار جمعی و اصطلاح‌شناسی»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران، اسفند ۱۳۷۸، چاپ اول ۱۳۸۵، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳۹۱ - ۴۰۷.

۲۰. غفاری، مهدی، «آموزش قرآن: عامل استمرار و تجدید هویت فرهنگی»، قرآن و توسعه فرهنگی (۱)، مشرق زمین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۷۸.

۲۱. اعراف، آیه ۱۵۸.

۲۲. ابراهیم، آیه ۴.

برخورد با گناه، اگر گناهکار گوش نمی دهد، بهتر است او را به حال خود بگذاریم» (ص ۱۹۰). کوک با بررسی پیشینه و سیر تطور عقاید حنبلیان بغداد (تا اواخر خلافت عباسی در ۶۵۶ق)، به حنبلیان دمشق و حنبلیان نجد اشاره می کند. اینان هر چه بیشتر گرفتار شبکه مستقیم و غیر مستقیم حمایت حکومتی می شوند، نهی از منکر به صورت کم رنگ تری در می آید (ص ۲۲۲). گرچه استفتائات از ابن حنبل، حنبلی گری را اعتقادی سازگار با هدف های آدم فریبان یا آرمان های نهادی سیاسی معرفی نمی کند، ولی میراث فکری او با اعمال پیروانش سخت دچار ناسازگاری شد (ص ۲۳۹). بر پایه گزارش های مخالفان بر بهاری (۳۲۹ق)، او و پیروانش با استناد به امر به معروف، شورش های چندی را در بغداد علیه شافعیان به راه انداختند و زائران کربلا را اذیت کردند (ص ۲۰۷-۲۰۸).

**ابن تیمیّه (۷۲۸ق):** اصالت فایده و رعایت مصالح ویژگی اصلی اندیشه این اندیشمند حنبلی دمشقی است؛ یعنی مصلحت انجام این وظیفه باید بر مفسده آن فزونی یابد و این کار نباید به شورش بینجامد. او «اولوا الامر»<sup>۲۶</sup> - یعنی علما، امرا و مشایخ هر طایفه و به طور کلی هر متبوعی را که تابعی دارد - بیش از هر کسی (نه به طور انحصاری) شایسته انجام این وظیفه می داند؛ زیرا انجام این وظیفه به طور صحیح به قدرت بستگی دارد و اولیای امور سهم بیشتری از قدرت را در اختیار دارند. آنان موظف اند این رسالت را نسبت به عامه مردمی که مطیع آنان هستند، انجام دهند و پیرو هر ولی امری باید در اطاعت خدا - و نه در نافرمانی خدا - از او پیروی کند<sup>۲۷</sup> (ص ۲۶۳-۲۶۴).

**نهیض و هابیت:** محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶ق) و پیروان او نیز با اعتقاد به اینکه اعمال دینی بسیاری از مسلمانان، شرک است، نهی از منکر را با جنگ بر ضد شرک آغاز کردند؛ در حالی که هدف اصلی آنان از این دستاویز، دست یابی به نفوذ سیاسی از راه قدرت نظامی و کمک به آل سعود برای فتح حجاز و تشکیل دولت سعودی بود (ص ۲۹۳).

محمد بن عبدالوهاب با استناد به آیاتی نظیر «مشرکان را هر

باید زبان ویژه و بی نظیر آن را فرا گرفت و در این زمینه هیچ فرقی میان اعراب و غیر آنان وجود ندارد؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «پروردگام این کلام (زبان) را به من تعلیم داد و من آن را فرا گرفتم»<sup>۲۳</sup>.

به عبارتی دیگر، دریافت هدایت و دیگر بهره های مادی و معنوی قرآن از یک سو، به میزان آشنایی، انس، همزبانی و ایمان فرد به قرآن و طهارت و پاکی او بستگی دارد و از دیگر سو، به درجات و مراتب علم و دانش و آگاهی فرد از خود، اجتماع و نظام هستی وابسته است.

**تعالیم ائمه (ع):** در حوزه های گوناگون نیز مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر است و یکی از شاخصه های سیره ایشان، دعوت عملی مردم به خیر و نیکی است: «کونوا دعاة للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذلک داعية»<sup>۲۴</sup>.

#### مذاهب اسلامی (مکاتب فقهی و کلامی)

در سه بخش میانی، آرای فقها و کلامیون مذاهب مختلف و تأثیر و تأثر دیدگاه های آنان بر یکدیگر بررسی و تحلیل شده است (ص ۱۵۹ - ۴۹۰). بررسی تاریخ فقه اسلامی نشان می دهد «میان جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و دیدگاه سیاسی مذاهب رابطه ای مستقیم وجود داشته و نحوه گسترش مباحث امر به معروف با مواضع سیاسی آن مذهب متناسب بوده است ... [یعنی] اصطکاک فعالیت آمران و ناهیان با حقوق افراد امر شونده و نهی شونده و نیز با حوزه وظایف و اختیارات حکومت، موجب شده است تا مذاهب گوناگون، هر یک بر پایه نگرش سیاسی خاص خود به بررسی ویژگی های امر به معروف و نهی از منکر مشروع پردازد و حوزه عمل آن را از دامنه ای مطلق به دامنه ای مقید بکشانند»<sup>۲۵</sup>.

#### حنبلیان

تعالیم احمد بن حنبل (۲۴۱ق) به طور کامل غیر سیاسی و غیر نظامی است؛ به طوری که «آدمی از سر راه حکومت کنار می رود و با حاکم نه رویاروی می شود و نه همکاری می کند و در

۲۳. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش ی.ع. مرعشلی و دیگران، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، به کوشش ا. غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۷۸.

۲۵. پاکتچی، احمد، «جایگاه امر به معروف در دانش فقه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، تهران ۱۳۸۰، ص ۲۰۴-۲۰۸.

۲۶. نساء، آیه ۵۹.

۲۷. ر.ک: پاکتچی، احمد، «جایگاه امر به معروف در دانش فقه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۰۴-۲۰۸.

کجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآوردید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید» (توبه، آیه ۵) و روایاتی چون «من [رسول خدا(ص)] مأمور شده‌ام با مردم بجنگم تا زمانی که اسلام را بپذیرند»، مبارزه با شرک و اصول جنگ طلبی خود را توجیه می‌کرد؛ در حالی که تدبیر در این آیه با توجه به سیاق<sup>۲۸</sup> آن (آیات ۱-۶ و ۷-۱۶ سوره توبه) و مطالعه سیره نبوی(ص) نشان می‌دهد که این دستور مربوط به زمانی است که مشرکان عهد شکنی می‌کنند و بر ضد مسلمانان به توطئه و فتنه انگیزی می‌پردازند، «و گرنه مشرکانی که هیچ بخشی از پیمان با شما را نقض نکردند و با هیچ کس علیه شما همدست نشدند، به پیمان آنها تا پایان مدت وفا کنید که خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد» (توبه، آیه ۴ و ۷).

سخن نقل شده از نبی اکرم(ص) نیز با قرآن و سیره نبوی(ص) در تعارض است که بر پایه معیارهای دانش حدیث شناسی نمی‌توان آن را قابل قبول دانست. به عنوان مثال، در سوره یونس، آیه ۹۹ و در هود، آیه ۱۱۸ می‌خوانیم: «ولو شاء ربک لامن فی الارض کلهم جمیعاً أفأنت نکره الناس حتی یکونوا مؤمنین؛ اگر پروردگار تو می‌خواست، همه اهل زمین ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را وادار کنی که ایمان آورند؟»

«ولو شاء ربک لجعل الناس أمة واحدة، و لا یزالون مختلفین؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست، همه مردم را امتی واحد [بر یک دین] قرار می‌داد؛ ولی اختلافات دینی و مذهبی پیوسته میان مردم برقرار خواهد بود».<sup>۲۹</sup>

در دومین (۱۲۳۸-۱۳۰۵ ق) و سومین دولت سعودی (۱۳۱۹-۱۳۷۳ ق) نهی از منکر در نظام اداری دولت قرار گرفت و هسته‌های اولیه کمیته‌های امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شد. ریحانی که در سال ۱۳۴۱ ق از ریاض دیدن کرده، می‌گوید: «مردم را به سبب کاربرد دخانیات، حاضر نشدن در نماز و ... شلاق می‌زدند و در هر یک از مساجد شهر به طور منظم حضور غیاب انجام می‌شد»<sup>۳۰</sup> (ص ۳۰۳).

### معتزلیان

کوک بر این باور است که مکتب اعتزال نمی‌تواند توصیفی از یک عقیده اسلامی باشد؛ بلکه به صورت جزئی از یک مجموعه درآمد و نقش سنتی از اندیشه‌های جزمی انتزاعی را بر عهده گرفت که می‌توانست با پاره‌ای از باورهای دیگر درآمیزد. آدمی می‌توانست معتزلی حنفی، معتزلی امامی و حتی معتزلی یهودی باشد. از این رو، مکتب معتزلیه تقریباً به صورت سنتی عقلی درآمد که فارغ از پیکره‌ای سیاسی و اجتماعی بود (ص ۳۲۱).

آرای معتزلیان درباره‌ی نهی از منکر سه ویژگی کلی دارد:  
۱. از ساختاری تحلیلی برخوردار است؛ ۲. باورها در طول زمان و مکان همگون است؛ ۳. در مراتب مختلف، عملگراست (ص ۳۶۴-۳۶۷).

### زیدیه

زیدیه و امامیه در گسترش احادیث و سنن فقهی بسیار کوشیده‌اند و هر دو کلام معتزلی را برگزیدند (ص ۳۶۸). یکی از بارزترین وجوه تفکر زیدیه در موضوع نهی از منکر، عملگرایی سیاسی است؛ یعنی قیام [مسلحانه] بر ضد حکومت ستم با هدف استقرار امامتی مشروع (ص ۳۷۴)، و نهی از منکر به عنوان یکی از ویژگی‌های کار امامان و شخصیت‌های مشابه برای اعتبار بخشیدن به قدرت سیاسی جلوه می‌کند (ص ۳۸۲). ابن مرتضی یمینی (۸۴۰ ق) که نماد همزیستی سنت فقهی زیدی و کلام معتزلی است، در «ازهار» آورده است: «کمک به ستمگر در استقرار معروف یا از میان برداشتن منکر، واجب است، به شرطی که موجب تقویت او در ستمکاری اش نشود» (ص ۳۹۷). او

۲۸. رکوعات (واحد‌های موضوعی) قرآنی بهترین روش برای دست‌یابی به سیاق آیات است. قرآن علاوه بر تقسیم به ۱۱۴ سوره، ۶۲۳۶ آیه، و هفت حزب، به ۵۵۵ رکوع (واحد موضوعی) نیز تقسیم شده است. ر.ک: لسانی فشارکی، محمد علی، «روش‌های مطالعه و تحقیق در قرآن مجید»، هشتمین کنگره بزرگداشت علامه طباطبایی، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲، ص ۱۶-۱۸.

۲۹. ر.ک: لسانی فشارکی، محمد علی، «تفرقه (۱)»، دانشنامه جهان اسلام، تهران ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۶۱۴-۶۱۷.

۳۰. سوگمندان باید اذعان داشت این نوع رفتارهای نادرست - که خود یکی از منکرات بزرگ است - هنوز در بسیاری از خانواده‌ها، بعضی از مدارس و پادگان‌های نظامی کشور مانیز وجود دارد. نگارنده شاهد حمله مدیر دبیرستان (۱۳۶۹ ش) با لگد و فحش به جمعی از دانش‌آموزان سال دوم ریاضی بود که در حال حل مسائل تازه مطرح شده در کلاس بودند، به بهانه بی‌توجهی به پخش اذان و آماده نشدن برای نماز، آن‌هم در راهروهای تنگ دبیرستان با موکت‌های نه چندان تمیز و در جریان هوای سردی که از پنجره‌های بدون شیشه در حال وزیدن بود. از این رو، علت بی‌نمازی بسیاری از افراد جامعه را باید در رفتار و گفتار نادرست برخی از نمازگزاران جست‌وجو نمود: «فویل للمصلین».

باب «جری و انطباق»<sup>۳۳</sup> و بیانگر مصادیق تام آن است. قرائات تأویلی و تفسیری ریشه در تعالیم نبوی (ص) دارد و محدود به حوزه امامیه نیست؛ بلکه در قرائات مفسران صحابی و تابعان و دیگر قاریان فراوان یافت می‌شود<sup>۳۴</sup> و هدف از آن در بستر آموزش و ترویج قرآن قابل تحلیل و دست‌یابی است.<sup>۳۵</sup>

دوره دوم: این دوره با بررسی آرای ابن بابویه (شیخ صدوق، ۳۸۱ق) شروع و به علامه حلی (۷۲۶ق) ختم می‌شود. شیخ طوسی (۴۶۰ق)، منظور از انجام دادن امر به معروف با دست را «سرمشق خوبی برای دیگران بودن» می‌داند (ص ۴۲۸). یکی از عناصر مهم عقاید امامیه، نیاز به اذن امام یا نماینده منصوب اوست، در صورتی که نهی از منکر مستلزم خشونت باشد (ص ۴۶۰)، شیخ طوسی در نهجی، اذن سلطان و حاکم وقت را نیز ضروری می‌داند.<sup>۳۶</sup>

کوک مباحث علمای امامیه را در این دوره را تحت عناوین: «عقل و وحی»، «تقسیم‌پذیری معروف و منکر به واجب و مستحب»، «عینی یا کفایی؟» و «شرایط تکلیف»، متأثر از عقاید معتزلیان بغداد و بصره می‌داند که نشان‌دهنده مسائل مجلس درس است، نه واقعیت‌های کوچک و بازار (ص ۴۵۳).

دوره سوم: از نظر کوک، تاریخ پژوهش‌های علمی امامیه در این دوره از بعضی جهات عمیقاً محافظه‌کارانه و در عین حال لطیف‌تر و فرهیخته‌تر است و در مواردی با نوآوری‌هایی رو به رو هستیم که با سایر فرقه‌ها و مکتب‌ها تفاوت دارد. در آثار دوره‌های اخیر گرایش گسترده‌ای برای براندازی عقیده قدیم امامیه در مورد نهی از منکر دیده می‌شود، بدون اینکه چیز بهتری جانشین آن شود (ص ۴۵۴).

شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶ق) مراد از امر به معروف و

سلسله مراتب را این‌گونه می‌آورد: «ملاّت، توهین، شکستن آلات موسیقی، شلاق زدن و برخورد مسلحانه» (ص ۳۹۵).

### امامیه

کوک تاریخ اندیشه‌های امامیه که پر بارترین و پیوسته‌ترین اسناد و مدارک در مقوله نهی از منکر را در اختیار دارند، به سه دوره تقسیم می‌کند:

دوره اول: حضور امامان که تا آن زمان آزادی معتزله به اندیشه امامیه راه نیافته بود و سنت و تفسیر امامیه برگرفته از قرآن بود؛ دوره دوم: دوره علمای متقدم امامیه از سده چهارم تا هشتم قمری؛ دوره سوم: دوره علمای متأخر از سده هشتم تا چهاردهم (ص ۴۰۷-۴۰۸).

### حدیث امامیه

در مجموع بیست حدیث در مورد نهی از منکر در دو کتاب فروع کافی و تهذیب الاحکام آمده است که تقریباً نیمی از مطالب این احادیث، در روایات اهل سنت نیز آمده است (ص ۴۰۹-۴۱۰).

بر پایه روایات، در تعالیم ائمه طاهریین (ع) امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ فریضه‌ای بزرگ که در پرتو آن، واجبات بر پا شده، راه‌ها ایمن گردیده، کسب و کار حلال و روا گشته، مظالم بر طرف می‌شود، زمین آباد شده، حق از دشمنان گرفته می‌شود، کارها سامان می‌یابد. از آنجا که نهی از منکر برای تعلیم جاهل است، بر آدمی ضعیف و نادان واجب نیست؛ بلکه بر آدمی قدرتمند واجب می‌شود که از او اطاعت کنند و تفاوت معروف از منکر را بدانند.<sup>۳۱</sup>

### تفسیر قدیم قرآنی امامیه

تفسیر، بعضی از آیات قرآنی را در مورد نهی از منکر، با اشاره به امامان مثلاً (خیر ائمه) در آیه ۱۱۰ آل عمران به خیر ائمه تأویل می‌کند. کوک با توجه به ظاهر این روایات، این‌گونه تأویلات را به اشتباه «تصحیح قرآن» می‌نامد (ص ۴۲۱)؛ در حالی که این‌گونه روایات، حاکی از «قرائات تفسیری»<sup>۳۲</sup> و از

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، به کوشش ع. ا. غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۲ ش، ج ۵، ص ۵۶.

۳۲. ر. ک: سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش م. دبیب البغا، دمشق-بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۹۶ م، ص ۲۴۳.

۳۳. ر. ک: طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۳۹ ق / ۱۹۷۳ م، ج ۱، ص ۴۲.

۳۴. ر. ک: ابن داود، المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵/۱۴۰۵ م، ص ۴۵-۱۰۳.

۳۵. ر. ک: رجیبی، محسن، «بررسی بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن کریم توسط پیامبر اکرم (ص)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱ ش.

۳۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، به کوشش علی آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم ۱۳۹۲، ص ۲۱، ص ۳۸۱.



نهی از منکر را ایجاد معروف و دوری کردن از منکرات می‌داند، نه صرف گفتار آمرانه و ناهایانه؛ و بهترین شیوه انجام آن رشد و کمال اخلاقی و پرهیز از رفتارهای زشت و نادرست است؛ و از آنجا که هر مقامی، مقالی دارد و هر دردی، دوايي، بنابراین شیوه‌های انجام آن با توجه به شرایط مختلف، گونه‌گون و ذومراتب است. ۳۷ از نوآوری‌های این دوره (در اوایل صفویه)، تبیین این نظریه است که در زمان غیبت، فقیه جامع‌الشرایط می‌تواند اجازه خشونت را برای نهی از منکر بدهد (ص ۴۵۹). در عین حال مقدّس اردبیلی (۹۹۳ ق) بر این باور بود که مجروح کردن و کشتن مصداق امر و نهی نیستند. فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) این بحث (اذن امام) را تضييع وقت می‌دانست؛ زیرا هر کس بهتر می‌داند که در موقعیت‌های مختلف چگونه عمل کند (ص ۴۶۰).

مقدس اردبیلی بحث در این باره را که آیا وجوب امر به معروف عقلی است یا حیوانی، بی‌نتیجه و بیهوده می‌دانست؛ زیرا اکنون می‌دانیم که این وظیفه از طریق وحی بر ما تکلیف شده است (ص ۴۶۲). همچنین تبیین واقعی نهی از منکر را مهم‌تر از گفت و گو در مفهوم کلی وجوب کفایي یا عینی آن می‌داند (ص ۴۶۸).

### اسماعیلیه

جوهره این مذهب که آمیخته‌ای از تفکر باطنی و عارفانه کیهان‌شناختی با سیاست مذهبی اسلامی است، زمینه‌چندان مناسبی برای مفهوم قانون مدار مانند نهی از منکر فراهم نیاورد؛ ولی مطابق مفهوم پیشوای سیاسی از منظر اسماعیلیان، نهی از منکر در وهله اول به وسیله امامان و بعد به دست داعیان انجام می‌شود. (ص ۴۸۲).

### حنفیان

حنفیان - که نمره محیط اجتماعی مرجئه کوفه در سده دوم بودند - قدیم‌ترین مذهب فقهی اهل سنت اند که از نظر کلامی به پنج دسته معتزلیان حنفی، اشعریان حنفی، اهل حدیث حنفی، نجاریه و ماتریدیه تقسیم می‌شوند. کوک آرای حنفیان را بر اساس میراث ماتریدیه آورده است (ص ۴۹۱-۴۹۲). حنفیان عدلگرا، امر به معروف را از شعارهای اصلی مذهب خود می‌دانستند، اما حنفیان اهل سنت و جماعت، آن را در حوزه فردی شدیداً محدود ساختند. ابواللیث سمرقندی (۳۷۳ ق) هر امری را که موافق با عقل و وحی است، معروف و خلاف آن را منکر می‌داند. انجام آن به علم، نیت خالص، شفقت و نرمی، صبر و عمل به آنچه تعلیم می‌دهد، وابسته است (ص ۵۰۰). ابوالسعود (۹۸۲ ق) تأکید می‌کند که انجام این وظیفه، نیاز به علم فقه و اصل عمل تدریجی دارد. (پاورقی ص ۵۰۶).

### شافعیان

در سده پنجم، مذهب شافعی هویتی کلامی در قالب اشعریگری به دست آورد (ص ۵۴۰). قدیم‌ترین اثر منسجم در این موضوع در مذهب شافعی، از آن ابو عبدالله حلیمی جرجانی (۴۰۳ ق) است. او اولین وظیفه را در وهله اول بر عهده سلطان مسلمان می‌داند؛ زیرا قدرت اجرایی دارد. او باید در هر شهری و روستایی ناظری دانا، نیرومند، نیکو خصال، اهل تشخیص و مورد اعتماد بگمارد. وقتی سلطان آن را انجام نداد، بر عهده عالمان صالح جامعه است.

ناهی از منکر موظف نیست کاری کند که موجب بی‌آبرویی گناهکار شود. او تفاوتی کلی میان نهی از منکر و جهاد نمی‌بیند؛ زیرا منظور از هر دو، دعوت مردم به اسلام است (ص ۵۴۲-۵۴۵). قاعدتاً منظور او از اسلام، مجموعه احکام فقهی و اعتقادی مذهب اوست.

نوی (۶۷۶ ق) معتقد است: هر چند وظیفه ما وادار کردن گناهکار به اطاعت نیست، ولی با احتمال عدم تأثیر، این وظیفه ساقط نمی‌شود (۵۵۹-۵۶۰).

### مالکیان

اینان نیز مکتب اشعری را برگزیدند (ص ۵۶۷). ابن رشد (۵۲۰ ق) معصوم بودن را از شرایط نهی از منکر نمی‌داند؛ زیرا به گفته او حتی پیامبران بی‌نقص نبودند (ص ۵۷۷). ابن عربی اندلسی (۵۴۳ ق) توسّل به سلاح در انجام این وظیفه را مختص سلطان می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت موجب فتنه و مصیبت‌های بدتر می‌شود. (ص ۵۸۱).

### اباضیه

این فرقه، از فرقه‌های میانه رو خوارج اند ۳۸ که اکنون در دو منطقه عمان و شمال آفریقا ساکن اند (ص ۶۲۱). آرای اباضیه در مورد امر به معروف و نهی از منکر با جریان کلی اسلامی اختلافی ندارد، جز تأکید به ادای لفظی این وظیفه حتی اگر گناهکار نپذیرد و توجه به نقش زنان (ص ۶۷۱).

۳۷. همان، ص ۳۸۱-۳۸۳.

۳۸. خوارج را باید دسته سوم مسلمانان دانست که نه شیعی اند و نه سنی.

برای اسلام فقه محور، پذیرفتنی نیست (ص ۷۷۸).

### فراسوی اسلام سنتی

در این بخش، به تحولات جدید اندیشه اسلامی در پی نفوذ فرهنگ و اندیشه های غربی در دو حوزه اهل سنت و امامیه و مقایسه آن دو پرداخته شده است (ص ۷۹۱ و ۸۵۸)؛ به طوری که اساس استنباط جدید از این موضوع، تبلیغ روشمند و سازمان یافته ارزش های اسلامی در دورن و بیرون جامعه است (ص ۸۰۸). سید قطب می گوید: تکلیف اصلی این است که جامعه ای مطلوب به معنای واقعی کلمه بسازیم و این مقدم بر اصلاح منکرات جزئی و شخصی است (ص ۸۲۷). محمد حسینی شیرازی بر این باور است که در این زمان، امر و نهی به چیزی شبیه برنامه ریزی صنعتی نیاز دارد (ص ۸۴۸). نوری همدانی نیز برنامه کار را اصلاح کلی و وضعیت اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی می داند تا امر به معروف به بهترین وجه ممکن تحقق یابد (ص ۸۶۶). مطهری (۱۳۵۸ ش) معتقد بود: عمل فردی، خصوصاً در دنیای امروز، کارساز نیست؛ همکاری و مشارکت لازم است. او نهی از منکر را چیزی برابر با همدردی، همبستگی، همکاری و دیگر خصلت های شبیه به این می دانست (ص ۸۴۷).

کوک در مقایسه اهل سنت و شیعیان امامی، به این نکته مهم اشاره می کند که «به ندرت اتفاق می افتد که نشانی از آگاهی از نظریات امامیه در بین نویسندگان سنی دیده شود، تا چه رسد به شوق فراگیری از آنان» (ص ۸۵۸).

سوگمندها هنوز نیز تعصب های بیجا مانع از آشنایی پیروان این دو مذهب بزرگ اسلامی از یکدیگر شده است و اگر گاهی اشاره به نظریات یکدیگر می کنند، عجولانه و متعصبانه، بدون تحقیق کامل و همه جانبه از منابع اصیل، در صدد تخطئه و تحقیر و تکفیر یکدیگر بر می آیند و معمولاً عقیده یک عالم یا گروهی از آنان را اعتقاد کلی آن مذهب دانسته، بر اساس آن جبهه گیری می کنند. البته سیره عالمان بزرگی چون: امام خمینی (ره)، آیت الله بروجردی (ره) و شیخ شلتوت (ره) بر خلاف این رویه نادرست بود.<sup>۳۹</sup>



۳۹. ر. ک: «مصاحبه با محمد واعظ زاده خراسانی»، مجله حوزه، شماره ۴۳-۴۴، فروردین و تیر ۱۳۷۰، ص ۱۹۵-۲۳۷؛ واعظ زاده خراسانی، محمد، «راه های تقرب مذاهب و وحدت مسلمانان»، مطالعات اسلامی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۹-۵۰.

### غزالی (۵۰۵ق)

آرای او در نهی از منکر فراتر از مرزهای مکتب فقهی (شافعی) اوست؛ هر چند روشمندی عقلانی بعضی از معتزلیان را ندارد و به هوشمندی علمای بعدی امامی نمی رسد. (ص ۶۷۳). اندیشه های اصلاح طلبانه او بر بسیاری از اندیشمندان مسلمان و حتی مسیحیان تأثیر گذاشته است (ص ۷۰۶-۷۲۱ و پیوست ۲). تحلیل او ساختاری گسترده، منظم، بدیع و بنیادی دارد که با واژه سازی ها و نوآوری هایی جدید همراه با تبیین جنبه های عملی این وظیفه همراه است (ص ۷۲۰). او اصطلاح «حسبه» را عبارتی عام می داند که امر به معروف و نهی از منکر را در بر می گیرد. از نظر او، مواردی که در آن از نظر فقهی اختلاف نظر وجود دارد، در حیطه امر به معروف قرار نمی گیرد؛ مثلاً حنفی نمی تواند شافعی را برای خوردن کفتار سرزنش کند (ص ۶۸۷). جست و جو برای آگاهی از منکری را که در خفا انجام می گیرد، حرام می داند (ص ۶۹۰). محتسب باید سه خصلت علم، ورع، «خوش خویی، فرو بردن خشم و تحمل و انکش های مختلف» را داشته باشد (ص ۶۹۴). او در فصل سوم احیاء علوم الدین، از منکراتی که به صورت عادت مردم درآمده است - چون خواندن قرآن به لحن، پنهان کردن عیب کالا، باریش از اندازه بر چهارپایان گذاردن و ... - یاد می کند (ص ۶۹۵-۷۰۰).

### صوفیان

اینان نماینده حوزه ای از پارسایان اند که قوانین شرعی و سیاست دینی، رکن اصلی دیدگاه آنان نیست. تمایلات صوفیانه ممکن است به شکلی از زهد بسیار دقیق تا عرفانی مبتنی بر ایمان نه عمل و از تسلیم و رضای سیاسی ای خفت بار تا عملگرایی سیاسی بی رحم و خشن درآید. نمی توان نظریه ای خاص از آنان را در زمینه نهی از منکر پیدا کرد (ص ۷۲۱). از دیدگاه تصوف، نهی از منکر می تواند نوعی ایشارگری بزرگ باشد و در عین حال می تواند به نوعی خودپرستی تبدیل شود. بنابراین از شرایط نهی از منکر این است که نباید مشتمل بر پیروی از هوای نفس باشد (ص ۷۲۴). به هر روی، اندیشه و نگرش عارفان به نهی از منکر

